

#یادداشت_روز-چهاردهم

#در_باب_طلبگی

#اشتباه_جهادی

روی سخن با جهادیون (پیامبران عصر حاضر) نیست بلکه با دعوت کنندگان به کارجهادی است.

شما هم اعتقاد دارید جهادی کار کردن یعنی مجازی کار کردن؛ بارها در جمع طلبه‌ها این معنا را دریافت کردم که چنین برداشتی دارند و دیگران راهم دیدم که چنین توقعی از طلبه‌ها یا سایرین دارند. مثلاً در کانال‌های طلبگی بارها به چنین اطلاعیه‌هایی برخورد کرده‌ام که از طلبه‌ها برای برخی امور دعوت می‌شود و در انتهای پیام هم با درج هشتگ #جهادی تکلیف را روشن می‌کند که بدانند پولی در کار نیست. و البته قطعاً افرادی هستند که از این کار استقبال می‌کنند و باید همینجا بگوییم که دستشان را می‌بوسم.

اما آنچه اینجا می‌خواهم بگویم استفاده از این کلمه با ارزش برای بی ارزش کردن کارجهادی است. پس بگذارید ابتدا چند سوال بپرسیم؛ آیا پیامبر خدا وقتی اصحاب خود را برای جهاد در مقابله با گفت هیچ غنیمتی از جنگ به تو تعلق نمی‌گیرد؟ آیا نیروهای جان بر کف سپاه و ارتش در هشت سال جنگ تحملی هیچ حقوقی دریافت نمی‌کردند؟ آیا در زمانه ما مدافعين حرم برای حضور در جهاد علیه داعش هیچ مابازایی دریافت نمی‌کردند؟ پس چرا ما از طلاب محترم انتظار داریم جهادی بودن را مجازی بودن معنا کند؟

به نظر نگارنده پاسخ از دو حال خارج نیست. یا طلبه‌ها و خدمات ایشان را لایق دریافت مابازایی نمی‌دانیم و ارزشی برای کارجهادی آن‌ها قائل نیستیم. و خدمتی که از آن‌ها انتظار داریم آن قدر ارزش ندارد که بخواهیم در مقابل آن به دیگران که متخصص در این زمینه هستند پولی پرداخت کنیم. این برخورد به این معناست که اگر آن طلبه‌این کار را نکند سلمه‌ای به اسلام وارد نمی‌شود و انجام آن از سایرین هم ساخته است. در این صورت چه ضرورتی دارد که یک طلبه وقت ارزشمند خود را صرف چنین کاری بکند که قدرش دانسته نمی‌شود. اتفاقاً این کار نه جهاد بلکه مصدق اسراف و اتلاف عمر خواهد بود.

حالت دوم نیز این است که افرادی که طلاب را دعوت به کارجهادی می‌کنند قصد سو استفاده از اخلاص و روحیه مسئولیت پذیری طلاب گرانقدر دارند و می‌خواهند بدون پرداختن حق الزحمه و انجام هزینه لازم کار خود را پیش ببرند. اینجاست که بر ما طلبه‌هاست که نگذاریم کسی از ساحت کار تخصصی ما سو استفاده کند. چرا که در این صورت خودمان با دست خودمان ارزش خدمت فرهنگی را کاهش داده‌ایم. به این معنا که دیگران هم نیاز نیست برای آن ارزشی قائل باشند. مانند همان کتاب‌ها و سی‌دی‌های رایگان که در همایش‌ها توزیع می‌شود و دریافت کنندگان آن هرگز حتی یک بار به آن‌ها مراجعه نمی‌کنند در حالیکه برای تولید آن‌ها قطعاً خدمات زیادی کشیده شده است.

به نظر این قلم مصدق کارجهادی آن است که ما را برای کار تخصصی خود دعوت کنند و حق الزحمه ما را بدهنند اما ما جهاد کنیم و آن را دریافت نکنیم. دعوت کنندگان به کارجهادی نیز می‌توانند برای کاری که به آن دعوت می‌کنند ارزش گذاری کنند اما از کسانی که دعوت می‌شوند بخواهند این مبلغ را در صندوق اخروی خود سرمایه گذاری کنند.